مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال یازدهم ، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: ۱۰.۲۲۰۶۷/LJ.V۱۱I۲۱.۳۹۳۳۲

# بررسی عبارات معترضهٔ «و» در زبان فارسی

**رضا کاظمیان[۱]، (دانشجوی دکتری زبانشناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)**

**محمد عموزاده[۲]، (استاد گروه زبانشناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران و دانشگاه سون یات سن (نویسنده مسئول)**

**صص: ۲۵۵-۲۸۰**

## چکیده

مطالعه‌ی عبارات معترضهٔ زبان فارسی و به‌ویژه عبارات معترضهٔ «و»، از موضوعات جدید محسوب می‌شود، لذا پژوهش حاضر بر آن است تا مطالعه‌ای نظام‌مند بر روی عبارات معترضهٔ «و» بر اساس چهارچوب توصیفی-تحلیلی کاوالوا (۲۰۰۷) ارائه دهد. این پژوهش با بحث در خصوص محل قرارگیری و ویژگی معمول این عبارات نظیر سیّال بودن آغاز گشته و سپس دیگر ویژگی‌های آنها از قبیل قابلیت حذف، پیروی از حذف به قرینه و عدم قرارگیری در دامنهٔ وابسته‌سازان را مورد بررسی قرار داده است. بررسی داده‌ها مشخص نمود که جایگاه عبارات معترضهٔ «و» در زبان فارسی اساساً سیّال و نسبتاً مستقل از دیدگاه نحوی بوده که می‌توانند به‌راحتّی حذف گردند. در ادامه نیز به تفاوت‌های موجود میان عبارات معترضهٔ «و» و عبارات حاوی نقش‌نمای گفتمان «و» پرداخته شد و مشخص گردید علی‌رغم وجود برخی ویژگی‌های مشترک میان آنها تنها می‌توان قائل به رابطه‌ای یک‌طرفه میان آنها شد؛ به این معنا که عبارت معترضهٔ «و» را می‌توان نوعی عبارت حاوی نقش‌نمای گفتمان در نظر گرفت، اما در مقابل نمی‌توان تمامی عبارات حاوی نقش‌نمای گفتمان «و» را به‌عنوان عبارات معترضهٔ «و» تلّقی نمود. این پژوهش همچنین نشان داد که با اعمال تغییرات و اصلاحاتی جزئی می‌توان چهارچوب مورد استفاده‌ی (کاوالوا، ۲۰۰۷) را الگویی مناسب برای بررسی داده‌های زبان فارسی به‌حساب آورد. لازم به یادآوری است که داده‌های مورد نیاز این پژوهش از دو پیکرهٔ گفتاری و نوشتاری گردآوری شده است. پیکرهٔ گفتاری آن توسط نگارندگان از برنامه‌های تلویزیونی تهیه گردیده و داده‌های نوشتاری نیز از پیکرهٔ «تاک بنک» موجود بر روی «پلتفورم اسکچ اینجین» استخراج شده است.

---

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

پست الکترونیکی: ۱. r.kazemian@fgn.ui.ac.ir ۲. amouzadeh@fgn.ui.ac.ir

**واژه‌های کلیدی:** عبارات معترضه، عبارات معترضهٔ «و»، نقش‌نماهای گفتمان، نقش‌نمای گفتمان «و».

**مقدّمه**

عبارات معترضه[۱] یا پرانتزی عباراتی هستند متفاوت از نظر طول و نوع که در داخل پاره‌گفت‌های جاری قرار می‌گیرند. از این عبارات به‌منظور اصلاح، افزایش و تفسیر پاره‌گفت‌های در جریان بهره گرفته می‌شود (دهه[۲] و کاوالوا[۳]، ۲۰۰۷). این عبارات همچنین عباراتی هستند غیر تحدیدی[۴]، مستقل از دیدگاه نحوی و نواختی، سیّال از نظر مکانی و قابل حذف (کالتن باک و دیگران[۵]، ۲۰۱۱).

همان‌طور که از نام آنها مشخص است این عبارات عباراتی هستند که در نوشتار توسط پرانتز، خطوط مورب و کاما و در گفتار توسط مکث از میزبان خود جدا می‌شوند و این ویژگی در مورد همه‌ی عبارات معترضه به‌نوعی صادق است. اگرچه از نظر لفظ، «parentheticals»، تقریباً توافقی عام بین پژوهشگران این حوزه وجود دارد اما چهارچوب‌ها و رویکردهای نظری موجود در این حوزه فراوان و گاهی متضاد با یکدیگر هستند و متخصصان این حوزه آرای گوناگونی را در قالب رویکردهای متفاوت مطرح کرده‌اند که در بخش آتی به آنها پرداخته خواهد شد. طبق گفته‌ی کالتن باک و دیگران (۲۰۱۱) عبارات معترضهٔ زبان انگلیسی را می‌توان به ده دسته تقسیم کرد: ۱. بندهای تفسیری[۶] ۲. بندهای نقل‌قولی[۷] ۳. سؤالات تأییدی[۸] ۴. جابه‌جایی چپ[۹] ۵. جابه‌جایی راست[۱] ۶. بدل‌های عبارتی[۲] ۷. بندهای موصولی بدلی[۳] ۸. بندهای نامتقارن[۴] ۹. عبارات پس اندیشی[۵] ۱۰. بندهای حرف عطف و (and)[۶].

---

۱. Parentheticals

۲. Dehe

۳. Kavalova

۴. Non-restrictive

۵. Kultenbock et al.

۶. Comment clauses

۷. Reporting clauses

۸. Tag questions

۹. Left-dislocations

از بین انواع عبارات معترضهٔ مزبور پژوهش حاضر در پی بررسی بندهای حرف عطف «و»[6] (and) یا به‌عبارت‌دیگر عبارات معترضهٔ (and) است که معادل آن در زبان فارسی عبارات معترضهٔ «و» است. بحث در مورد عبارات معترضهٔ (and) در زبان‌های دیگر، خصوصاً زبان انگلیسی توجّه پژوهشگران زیادی (بلیکمور، ۲۰۰۵؛ کاوالوا، ۲۰۰۷؛ کالتن باک و دیگران، ۲۰۱۱) را به خود معطوف داشته است. شاید بتوان اوّلین مطالعه‌ی جامع و گسترده‌ی انجام شده بر روی عبارات معترضهٔ (and) را به کاوالوا (۲۰۰۷) نسبت داد که چهارچوب مطالعاتی پژوهش حاضر نیز به‌حساب می‌آید و در قسمت دوم بخش آتی این مطالعه به شکلی مبسوط شرح می‌گردد. بااین‌وجود، موضوع حاضر در زبان فارسی به نظر می‌رسد تا حدی مورد بی‌مهری قرار گرفته است. لذا شاید بتوان ادعا کرد که این مطالعه به‌عنوان گامی نخست در راستای بررسی نظام‌مند عبارات معترضهٔ «و» به‌حساب آید. از اهدافی که از پس این پژوهش دنبال می‌شود، ابتدا می‌توان به بررسی کلی عبارات معترضهٔ «و»، محل قرارگیری و ویژگی‌های این عبارات در زبان فارسی اشاره کرد؛ ثانیاً ازآنجاکه جزء اصلی این عبارات «و» است، درک این موضوع که آیا ارتباط معناداری میان نقش‌نمای گفتمان «و» و عبارات معترضهٔ «و» وجود دارد و همچنین اینکه آیا عبارات معترضهٔ «و» و عبارات حاوی نقش‌نمای گفتمان «و» از یکدیگر متمایز هستند یا خیر نیز از پس این مطالعه دنبال می‌گردد.

**پیشینهٔ تحقیق و چهارچوب نظری**

پژوهش‌های موجود در حوزهٔ عبارات معترضه بسیار گسترده است (زیو[7]، ۲۰۰۲؛ کرور[8] و تیرش[9]، ۲۰۰۲؛ بلیک مور[1]، ۲۰۰۶؛ برتن رابرتس[2]، ۲۰۰۶؛ دهه و کاوالوا، ۲۰۰۶) و هر یک از

---

۱. Right-dislocations

۲. Phrasal appositives

۳. Appositive relative clauses

۴. Insubordinated clauses

۵. Afterthoughts

۶. And-clauses

۷. Ziv

۸. Corver

۹. Thiersch

پژوهشگران با رویکردی خاص به بررسی آنها همّت گمارده‌اند، لذا بحث در مورد تک‌تک آثار پژوهشگران در این مقال نمی‌گنجد؛ از این حیث بخش حاضر به بررسی برجسته‌ترین و مهم‌ترین آثار پژوهشگران در قالب سه رویکرد کلّی نحوی، معناشناختی-کاربردشناختی و نواختی می‌پردازد.

هنگامی‌که به عبارات معترضه از دریچهٔ نحو می‌نگریم شاهد آرای گوناگون و گاهی متضاد هستیم. برای نمونه، به نظر می‌رسد عبارات معترضه از لحاظ ترتیب خطی، وابسته هستند اما از نظر ساختاری تقریباً مستقل محسوب می‌شوند. این در حالی است که این مسأله از نظر بعضی پژوهشگران (پیتنر[۳] ۱۹۹۵؛ هافمن[۴] ۱۹۹۸؛ آکما[۵] و نیلمن[۶] ۲۰۰۴؛ دی آویس[۷] ۲۰۰۵؛ هایدر[۸] ۲۰۰۵ و دی وریز[۹] ۲۰۰۷) قابل قبول نیست و آنها قائل به ارتباط نحوی میان عبارات معترضه و جملهٔ میزبان هستند. آرای گوناگون در رویکرد نحوی نسبت به عبارات معترضه، متضمن دو رویکرد فرعی «تلفیقی»[۱۰] و «غیر تلفیقی»[۱۱] است. صاحب‌نظران رویکرد تلفیقی قائل به خطی‌شدگی و وجود ارتباط نحوی بین عبارت معترضه و جملهٔ میزبان هستند، بااین‌وجود بین صاحب‌نظران رویکرد تلفیقی توافقی کلّی به چشم نمی‌خورد و هر یک از منظری به این پدیدهٔ زبانی نگریسته‌اند. راس[۱۲] (۱۹۷۳)، اماند[۱۳] (۱۹۷۳، ۱۹۷۶، ۱۹۷۹) و مک کاولی[۱۴] (۱۹۸۲)

---

۱. Blakemore

۲. Burton-Roberts

۳. Pittner

۴. Hoffmann

۵. Ackema

۶. Neeleman

۷. D’Avis

۸. Haider

۹. De Vries

۱۰. Integrated

۱۱. Unintegrated

۱۲. Ross

۱۳. Emonds

۱۴. McCawley

همگی در خصوص وجود زیر ساختی یکسان و قرارگیری عبارت معترضه در گرهٔ «خواهر»[۱] یا یا «دختر»[۲] جمله هم‌نظر هستند، اما هر یک در خصوص ترتیب واژگانی و نظام سطحی عبارات معترضه نظرات گوناگونی را ارائه داده‌اند.

آغازگر رویکرد غیر تلفیقی را می‌توان هگمن[۳] (۱۹۸۸) دانست. او معتقد است که ارتباط نحوی بین عبارت معترضه و جملهٔ میزبان وجود ندارد و عبارت معترضه یک عبارت مستقل است. اسپینال[۴] (۱۹۹۱) و پیترسون[۵] (۱۹۹۸) نیز با هگمن هم‌نظر و همچنین قائل به استقلال عبارت معترضه در تمام سطوح نحوی و همچنین وجود ارتباطات مفهومی بین نمودهای منطقی هستند. همان‌طور که از آرای یادشده برمی‌آید، هنگامی‌که عبارات معترضه با رویکرد نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرند، با نوعی دوگانگی ناشی از اختلاف‌نظرهای موجود روبرو می‌شویم که تا حدودی اصول نحو را با چالش مواجه می‌سازد. رهایی از این دوگانگی و چالش، مقتضی اتخاذ رویکردی میانه نظیر رویکردی است که کاوالو (۲۰۰۷) بکار گرفته است.

رویکرد کاربردشناختی-معناشناختی نیز همچون رویکرد نحوی مشتمل بر دیدگاه‌ها و رویکردهای فرعی بسیاری است. دو رویکرد اصلی در خصوص عبارات معترضه که باید در ابتدا به آنها پرداخته شود معطوف به تأثیر عبارت معترضه بر روانی و عدم روانی متن است. کسانی چون بایبر[۶] و دیگران (۱۹۹۹) عبارات معترضه را حاصل اختلالات و مکث‌های شفّاهی شفّاهی می‌دانند و همچنین آنها را به‌عنوان عاملان ایجاد عدم روانی در متن در نظر می‌گیرند. این در حالی است که بلیکمور (۲۰۰۵) و دهه و کاوالوا (۲۰۰۷) آنها را یک نوع انتخاب سبکی در نظر می‌گیرند. بلیکمور این موضوع را بدین خاطر مطرح می‌کند که چهارچوب کلّی حاکم بر پژوهش‌های وی، نظریّه‌ی «ربط»[۷] (اسپربر[۸] و ویلسون[۹]، ۱۹۹۵) است و از منظر نظریّه‌ی

۱. Sister node

۲. Daughter node

۳. Haegeman

۴. Espinal

۵. Peterson

۶. Biber

۷. Relevance theory

۸. Sperber

۹. Wilson

ربط، انتخاب سبک، موضوعی است که گوینده و نویسنده نمی‌توانند از آن دوری کنند. به‌منظور ایجاد ربط، گوینده باید فرضیّاتی در خصوص منابع شناختی و بافتی شنونده بپرورانـد که در نحوه‌ی ارتباط وی منعکس می‌شود (اسپربر و ویلسون، ۱۹۹۵: ۲۱۸).

یکی دیگر از رویکردهای موجود که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجّه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است، رویکرد نواختی است. در این رویکرد تقریباً توافقی عام در خصوص انفصال نواختی عبارات معترضه از جملۀ میزبان توسط مکث‌ها و اشارات آهنگی وجود دارد. عبارات معترضه از نظر نواختی دارای ویژگی‌هایی هستند که به‌صورت جداگانه به شکل مبسوط در آثار پژوهشگران این حوزه (کریستال[۱] ۱۹۶۹؛ فلایشر[۲] و میشل[۳] ۱۹۷۵؛ آلتمن[۴] ۱۹۸۱؛ بولینجر[۵] ۱۹۸۹؛ لوکال[۶] ۱۹۹۲؛ تاگلیخت[۷] ۱۹۹۸؛ پایا[۸] ۲۰۰۳ و آستراک[۹] ۲۰۰۵) قابل قابل رؤیت بوده و در این بخش، تنها، اشارۀ کوتاهی به آنها شده است. ویژگی‌های نواختی این عبارات، عبارت‌اند از مکث‌های پیرامونی[۱۰]، مرزهای نواختی قبل و بعد[۱۱]، بلندی کاسته شده[۱۲]، سرعت افزایش‌یافته[۱۳]، خیزش آهنگ و زیروبمی صدا که هرکدام از این ویژگی‌ها با توجّه به نقش، طول و جایگاه عبارات معترضه استفاده یا کنار گذاشته می‌شوند. استفاده از ویژگی‌های نواختی در خصوص عبارات معترضه از چند نظر مفید فایده است. از ویژگی‌های نواختی می‌توان به‌عنوان سرنخی برای تعیین وضعیت نحوی عبارات معترضه بهره برد (سفیر ۱۹۸۶؛ هگمن ۱۹۸۸؛ هافمن ۱۹۸۸؛ دی آویس ۲۰۰۵ و برتن – رابرتس ۲۰۰۶). به‌علاوه این

---

۱. Crystal
۲. Fleischer
۳. Michel
۴. Altman
۵. Bolinger
۶. Local
۷. Taglicht
۸. Paya
۹. Astruc
۱۰. Surrounding pauses
۱۱. Preceding and following prosodic boundaries
۱۲. Diminished loudness
۱۳. Increased tempo

ویژگی‌ها در مشخص شدن عبارات معترضه به‌ویژه آن دسته از عبارات که تعیین‌کردنشان از نظر نحوی دشوار است بسیار سودمند بوده؛ زیرا این عبارات یک دامنهٔ نواختی مستقل برای خود تشکیل می‌دهند که آنها را از بافت اصلی جدا می‌کند.

بر خلاف حوزهٔ غنی پژوهشی عبارات معترضه، تنها تعداد محدودی پژوهش به بررسی عبارات معترضهٔ (and) معطوف شده و در فارسی نیز این‌گونه به نظر می‌رسد که این دسته از عبارات تاکنون مورد بررسی روش‌مند و نظام‌مند قرار نگرفته‌اند و در بررسی نقش‌نمای «و» و با نگاه سنّتی‌تر حرف ربط «و» نیز تنها کاربرد آن در همپایگی مورد بررسی قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که اکثر کُتب دستور زبان فارسی (باطنی، ۱۳۵۶؛ احمدی گیوی و انوری، ۱۳۶۳؛ خانلری، ۱۳۶۳؛ مشکوه‌الدینی، ۱۳۹۶) به‌صورت متفق‌القول هنگامی‌که به «و» می‌پردازند، آن را تنها از این منظر مورد بررسی قرار می‌دهند و می‌توان قویاً ادعا کرد که هیچ‌کدام از کُتب دستور زبان فارسی تاکنون دیگر کاربردهای این نقش‌نما نظیر حضور آغازی آن در ابتدای جمله و همچنین حضور آن در عبارات معترضهٔ «و» را مورد بررسی قرار نداده‌اند.

علاوه بر پژوهش کاوالوا (۲۰۰۷)، از پژوهش‌های انجام شده در زبان انگلیسی می‌توان به پژوهش ارائه‌شده از سوی بلیکمور (۲۰۰۵) اشاره کرد. پژوهشِ بلیکمور (۲۰۰۵) با محوریت عبارات معترضهٔ (and) در راستای نظریّه‌ی ربط یا تناسب قرار دارد؛ اگرچه وی عبارات معترضهٔ (and) را از منظرهای گوناگونی (نواختی، کاربردشناختی و معناشناختی) مورد بررسی قرار داده، اما محوریت اصلی آن نظریّه‌ی ربط یا تناسب است. وی با ارائه‌ی مقایسه‌ای در خصوص این پژوهش و پژوهش پیشین خود در مورد کاربردشناسی همپایگی جمله‌ای توسط (and) (بلیکمور و کارستون[1]، ۲۰۰۵) علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی، رأی به نقش یکسان نوع معمول[2] (and) و (and) در عبارات معترضه می‌دهد. وی همچنین بین دو مسیری که عبارات معترضهٔ (and) منجر به ربط می‌شوند تمایز قائل می‌شود. از نظر بلیکمور در مسیر اوّل عبارت معترضه و جملهٔ میزبان نوعی مشارکت جمعی[3] را در خصوص تأثیرات شناختی مورد نظر ارائه می‌دهند، به این معنا که آنچه جملهٔ میزبان ارائه می‌دهد، نمی‌تواند بازگوی نمود افکار مورد نظر گوینده باشد.

---

۱. Carston

۲. Standard

۳. Collective

ازآنجاکه عضو اصلی این عبارات، «و» است و درک رابطهٔ میان عبارات نقش‌نمای گفتمان «و» و عبارات معترضهٔ «و» یکی از اهداف پژوهش حاضراست، ارائه‌ی مختصر پیشینه‌ای در این خصوص نیز خالی از لطف نیست. نقش‌نماهای گفتمان، عباراتی هستند که ارتباط پیام در حال در جریان نسبت به آنچه در کلام منعقد شده است را نشان می‌دهند (فریزر[۱]، ۱۹۹۰)؛ این عبارات دارای تنوّع مقوله‌ای و اغلب قابل حذف هستند. نقش‌نماهای گفتمان با نام‌های مختلفی نظیر «عملگرهای کلام»[۲]، «نقش‌نماهای کاربردشناختی»[۳] و «ادات گفتمانی»[۴] شناخته شده‌اند و همیشه بحث‌ها و چالش‌های گسترده‌ای در خصوص تعیین نوع و ویژگی‌های این عبارات زبانی وجود داشته است و در اغلب موارد شاهد آرای گوناگونی در خصوص این عبارات هستیم (شوراپ[۵]، ۱۹۸۷؛ شیفرین[۶]، ۱۹۸۷؛ فریزر، ۱۹۹۰؛ کریبل[۷]، ۲۰۱۸).

نقش‌نمای مورد نظر این پژوهش نقش‌نمای «و» است. رویکرد مأخوذه در خصوص تعیین و شناخت این نقش‌نما، رویکردی است نزدیک به رویکرد شیفرین (۲۰۰۸) در خصوص نقش‌نمای (and) که در آن تمامی وقوعات (and) که برقرارکننده‌ی ارتباط میان واحدهای جمله و بند بودند را نمونه‌ای از نقش‌نمای گفتمان در نظر گرفته است. اگرچه این رویکرد، نسبتاً، با مطالعات مکالمه کاوی (هریتج[۸] و سورجنن[۹]، ۱۹۹۴؛ ماتسوماتو[۱۰]، ۱۹۹۹) ناسازگار است اما در بررسی داده‌ها کارآمد بوده است.

پس از مروری بر پیشینه‌ی مطالعاتی عبارات معترضه و نقش‌نماهای گفتمان، می‌توان شرحی بر چهارچوب مورد نظر پژوهش حاضر یعنی کاوالوا (۲۰۰۷) ارائه نمود. کاوالوا در

---

۱. Fraser
۲. Discourse operators
۳. Pragmatic discourse marker
۴. Discourse particles
۵. Schourup
۶. Schiffrin
۷. Crible
۸. Heritage
۹. Sorjonen
۱۰. Matsumoto

ابتدای امر، بندهای عطفی «و» (and) را به دو دسته‌ی «ساکن»[۱] و «شناور»[۲] تقسیم می‌کند. منظور از بندهای ساکن، بندهایی است که به‌وسیله‌ی پیوندی مستقیم به لنگری[۳] در جملهٔ میزبان متصل شده‌اند و در صورت جابه‌جایی و تغیر مکان از میزان بلاغت جمله کاسته می‌شود و یا حتّی منجر به نادرستی دستوری آن می‌گردد. نمونه‌های (۱) و (۲) شواهدی هستند بر موضوع یادشده در زبان فارسی.

(۱): من تأکیدم این بوده که موضوع اصلی ما **سیستم ۲-۳- ۵** بود و حالا منم زیاد از **این سیستم** راضی نیستم.

(۲): و حالا منم زیاد از **این سیستم** راضی نیستم من تأکیدم این بوده که موضوع اصلی ما **سیستم ۲-۳-۵** بود.

عبارات معترضهٔ شناور را می‌توان نقطه‌ی مقابل دسته‌ی یادشدهٔ بالا دانست چراکه همان‌طور که از نامشان برمی‌آید سازگار با جابه‌جایی و تغییر مکان هستند و در صورت تغییر مکان نقصی در جمله پدید نمی‌آید. همان‌طور که در نمونهٔ (۳) مشخص است عبارت معترضهٔ «و» کج‌نویس‌شده در آن می‌تواند در مکان‌های مختلفی که با علامت (+) مشخص شده است بدون ایجاد مشکلی قرار گیرد. رویکرد مأخوذه‌ی کاوالوا در خصوص این دسته از عبارات معترضه، رویکرد «جملهٔ جداشده»[۴] است که در آن جملهٔ میزبان به‌عنوان یک پاره‌گفت و عبارت معترضه به‌عنوان پاره گفتی دیگر در نظر گرفته می‌شوند.

(۳):

(الف): دلم میخواد از این مخمصه، ***و هرچه زودتر بهتر***، راحت شم تا بتونم از این خراب‌شده فرار کنم.

(ب): (+) دلم میخواد از این مخمصه (+) راحت شم (+) تا بتونم از این خراب‌شده فرار کنم (+).

۱. Anchored

۲. Floating

۳. Anchor

۴. Split-sentence approach

با وجود دسته‌بندی بالا، کاوالوا عبارت معترضـهٔ (and) را عموماً پدیـده‌ای مـی‌دانـد کـه مستقل و قابل حذف است و آرای وی تا حدودی بـه رویکـرد غیـر تلفیقـی نزدیـک‌تـر اسـت اگرچه نمونه‌هایی وجود دارند که وجود رابطهٔ خاصّی با جملهٔ میزبان و به‌ویژه لنگر موجود در آن را نشان می‌دهند. بخش حاضر بر آن است تـا ویژگـی‌هـای مطروحـه از سـوی کـاوالوا در خصوص عبارات معترضه (and) که ممیز ایـن عبـارت از سـایر بنـدهای (and)ماننـد نمونـهٔ «مقبول همپایگی» [۱] (and) هستند را عنوان نماید.

ویژگی غالبی که در خصوص عبارات معترضه معمولاً مطرح می‌شـود قابلیـت حـذف آنهـا است. این ویژگی در خصوص عبارات معترضهٔ (and) نیز قابـل اعمـال اسـت. ایـن در حـالی است که نمی‌توان قابلیت حذف را برای نمونه‌هـای مقبـول همپـایگی (and) عمـومی دانسـت اگرچه نمونه‌هایی از حذف نیز در بین آنها قابل مشاهده است، درواقع این ویژگی قابـل تعمـیم به همه‌ی نمونه‌های همپایگی مقبول (and) نیست. مسأله‌ی دیگری که در تفاوت میان ایـن دو نوع کاربرد (and) قابل ذکر است این است کـه در اسـتفاده از همپـایگی (and) بایـد رعایـت ملزوماتی از قبیل ملزومات نحوی صوری و نقشی در کنار ملزومـات نقـش موضـوعی [۲] لحـاظ شود درحالی‌که عبارت معترضهٔ (and) نیازمند هیچ‌یـک از ایـن ملزومـات نسـبت بـه سـاخت هم‌جوار خود نیست و کاملاً مستقل عمل می‌کند. این موضوع در خصـوص عبـارات معترضـه «و» زبان فارسی نیز صدق می‌کند؛ بدین شکل که این عبارات بدون اینکه اختلالی در معنا، نحو و فرآیند پیام‌رسانی پدید آورند، می‌توانند به‌راحتّی حذف گردند. در نمونهٔ (۴) دو جملهٔ (الف) و (ب) شاهدی بر صحّت این امر هستند.

(۴):

الف): می‌توان ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین تعریف از آزادی، **و من اینجا منظورم آزادی فردی است،** را در این متن قدیمی مشاهده کرد.

ب): می‌توان ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین تعریف از آزادی را در این متن قدیمی مشاهده کرد.

علاوه بر تفاوت موجود میان همپایگی (and) و عبارت معترضهٔ (and) در مـورد موضـوع حذف، این تفاوت در مورد حذف به قرینه نیز قابل تأمّل است. با وجود صدق موضوع حـذف

---

۱. Canonical coordination

۲. Thematic function

به قرینه در خصوص عبارات همپایه‌ی (and) به دلیل رعایت ملزومات مذکور، ایـن مسـأله در مورد عبارات معترضهٔ (and) به دلیل برخورداری از استقلال نحوی نسبت به جملهٔ میزبان قابل قبول نیست و این عبارات از حذف به قرینه پیروی نمی‌کنند. همان‌طور که در نمونـهٔ (۵) قابـل مشاهده است با وجود ارجاع یکسان ضمیر مشخص‌شده به فاعل جملهٔ میزبان امکان حذف بـه قرینه وجود ندارد.

:(۵)

Emmanuel Shinwell thought and ***he*** *is after all a previous Defence Minister* that you can't have informed opinion on this vital matter without…

صدق این موضوع در خصوص داده‌های زبان فارسی مـورد تردیـد اسـت و صـحّت آن در بخش آینده پس از بررسی داده‌های موجود مشخص می‌شود.

آخـرین ویژگـی ممیـز میـان عبـارات همپایـه‌ی (and) و عبـارات معترضـهٔ (and)، عـدم قرارگیری در دامنهٔ وابسته‌سازان است. از منظر کاوالوا عبارات معترضهٔ (and) فاقد این ویژگـی هستند و در دامنهٔ وابسته‌سازان همچون جملات شرطی قرار نمی‌گیرند. اگرچه نمونـه‌هـای (۶) و (۷) نمونه‌های مناسبی برای نمایان کردن این قضیّه در زبان فارسی هستند؛ اما صحّت قطعـی این موضوع نیاز به تحلیل داده‌های موجود دارد.

(۶): اگر [متوجّه کوچک‌ترین خطری در ایـن نزدیکـی شـدی] [و البتّـه حـالا هـم خبـری نیست،] باید سریع به مرکز اطلاع بدی].

(۷): اگر [توی مجلس عروسی خواستی پُرخوری کنی]، [و تو هم که خوش‌خوراک،] دیگه نه من نه تو].

با عنایت به ادبیّات ارائه‌شده در بخش دوم این مقاله، پژوهشگران حـوزهٔ عبـارات معترضـه دو رویکرد تلفیقی و غیر تلفیقی را در خصوص روابط نحوی عبارات معترضه دنبال کـرده‌انـد. این در حالی است که کاوالوا مسیر میان این دو رویکرد را پیش گرفته و با ایـراد اشـکالاتی در خصوص ضعف آن دو، رویکرد خود را طرح کرده است. از جمله مشکلاتی که می‌تواند مثـال نقضی بر رویکرد تلفیقی قلمداد شود، کاربرد «بازگشت به عقب»[۱] است. این کـاربرد بـه‌منظـور جدایی عبارت معترضه از جملهٔ میزبان توسط گوینده اخذ می‌شود و نمونهٔ بارز نقض رویکـرد تلفیقی است. نمونهٔ مشخص بازگشت به عقب را می‌توان در مثـال (۸) ملاحظـه کـرد. در ایـن

۱. Backtracking

مثال عبارت «به نظر من» قبل و بعد از عبارت معترضۀ «و» استفاده شده بـه شـکلی کـه فـرض می‌شود عبارت معترضۀ «و» خارج از حوزۀ نحوی قـرار دارد و عبـارتی کـاملاً مسـتقل اسـت؛ چراکه هیچ پیوندی[۱] میان آن و دیگر قسمت‌های جملۀ اصلی مشاهده نمی‌شود.

(۸): به نظر من، *و حالا بدم نشده این مدل*، به نظر من یکم نسبت به سنت بچه‌گونه‌اس.

از طرفی نمونۀ (۹) نیز ناقض رویکرد غیر تلفیقی و حاکی است از وجود رابطۀ نحوی میان جملۀ میزبان و عبارت معترضۀ «و»؛ در ایـن مثـال عبـارت معترضـۀ «و» دربردارنـده‌ی ضـمیر انعکاسی (خودشون) است که بر اساس اصول حاکمیت و مرجع‌گزینی نیاز به مرجعی دارد کـه به آن ارجاع داده شود، این در حالی است که مرجعی برای آن در عبـارت معترضـۀ «و» وجـود ندارد و برای ارجاع بایـد بـه جملـۀ میزبـان متوّسـل شـد چراکـه طبـق اصـول مرجـع‌گزینـی (خودشون) که یک پیش مرجعدار[۲] است باید توسط یک مرجع پیش‌آینـد[۳]، (علـی و حسـین)، سازه فرمانی گردد.

(۹): **علی و حسین**، [و می‌دونم که **خودشون** این گند را بالا آوردن]، تنهـا مقصـرهای ایـن قضیه هستن و من چاره‌ای جز لو دادنشون ندارم.

با عنایت به مطالب فوق کاوالوا معتقد است هـیچ‌یـک از دو رویکـرد مـذکور را نمـی‌تـوان به‌تنهایی در مورد تمام نمونه‌های عبارات معترضۀ (and) بـه کـار بـرد، از ایـن حیـث نیـاز بـه رویکردی مرکّب از آن دو احساس می‌شود. رویکرد کاوالوا را می‌توان رویکردی حدِّ فاصل دو رویکرد مزبور فرض کرد که از طرفی قائل به وجـود ارتبـاط میـان عبـارت معترضـۀ (and) و جملۀ میزبان و از طرف دیگر قائل به غیر تلفیقی بودن عبارات معترضۀ (and) است. منظـور از ارتباط مذکور نوعی ارتباط یک‌طرفه بین عناصر موجود در عبـارت معترضـۀ (and) و عناصـر جملۀ میزبان است؛ به‌عبارت‌دیگر، فقط عناصر موجود در عبـارت معترضـۀ (and) بـه عناصـر جملۀ میزبان وابستگی و ارجاع دارند و جهت عکس آن معتبـر نیسـت، لـذا صـحّت دسـتوری جملۀ میزبان با عبارت معترضۀ (and) گره نخورده است. صدق این موضوع در خصوص زبان فارسی در انتهای پژوهش حاضر مشخص مـی‌گـردد و اینکـه آیـا الگـوی یادشـدۀ کـاوالوا در

۱. منظور از پیوند وجود عنصری برای حفظ رابطه‌ی نحوی و معنایی همانند لنگر است.

۲. Anaphor

۳. Antecedent

خصوص عبارات معترضۀ «و» به‌منظور رسیدن به رأیی نسبتاً معتدل و قابل اعمال بر نمونه‌های موجود در زبان فارسی مورد قبول است ارزیابی می‌شود.

**داده‌ها و روش مطالعه**

داده‌های مورد نیاز این پژوهش از دو پیکرۀ نوشتاری و گفتاری تأمین گردیده است. پیکرۀ نوشتاری مورد نظر، پیکرۀ «تاک بنک» است که متشکل از متون نوشتاری وبلاگ‌هایی با ژانرهای مختلف و حجمی بالغ‌بر ۴۷۰ میلیون کلمه است که از پایگاه اطّلاعاتی «اسکچ اینجین»[۱] قابل دسترسی است. به دلیل عدم دسترسی به پیکرۀ گفتاری زبان فارسی، داده‌های گفتاری این پژوهش توسط پژوهشگران این پژوهش گردآوری شده است. این داده‌ها حاصل ده ساعت از میزگردها و برنامه‌های تلویزیونی نظیر برنامه‌ی «شوکران»، «چرخ»، «سینماگران» و «نود» است که در دامنۀ زمانی فروردین ۱۳۹۸ تا شهریور ۱۳۹۸ گردآوری شده است. دلیل انتخاب آنها ابتدا تنوّع موضوعی این برنامه‌ها است که دامنۀ موضوعی گسترده‌ای (فرهنگ و هنر، سیاست و علوم اجتماعی و ورزش) را فراهم آورده است. ثانیاً سبک مکالمه‌ای و مناظره‌ای آنها است؛ زیرا مشخصاً در نمونه‌های گفتاری به دلیل بر خط[۲] بودن آنها، خطاها و اختلالات بیشتری نسبت به نوع نوشتار وجود دارد (چیف[۳]، ۱۹۹۴) از همین رو شاهد میزان وقوع بیشتری از فرایندهای اصلاح، افزایش و تفسیر هستیم. از هرکدام از پیکره‌های نوشتاری و گفتاری تعداد ۵۰ عبارت معترضه و مجموعاً ۱۰۰ عبارت معترضه استخراج گردید که از آنها به موجب سنجش صحّت چهارچوب مورد نظر، بررسی ویژگی عبارات معترضۀ «و» و همچنین فراهم آوردن نمونه‌های مورد نیاز این پژوهش بهره گرفته شد. لازم به یادآوری است که در قسمت‌هایی که با تغییر در نمونه‌های پیکره‌ای قصد سنجش درستی یا نادرستی عبارات دنبال می‌گردد، از پنج گویشور زبان فارسی معیار (عمدتاً گونه‌ی تهرانی) برای تشخیص این موضوع کمک گرفته شده است.

این مطالعه پس از تشریح چهارچوب کاوالوا (۲۰۰۷) و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، ابتدا سعی می‌کند به شناختی صحیح از رابطۀ میان نقش‌نمای گفتمان «و»، عبارات حاوی نقش‌نمای

---

۱. *www.sketchengine.eu*

۲. Online

۳. Chafe

گفتمان «و» و عبارات معترضهٔ «و» دست یابد و سپس به شناسایی ویژگی‌های عبارات معترضهٔ «و» می‌پردازد و در ضمن آن میزان صحّت و کارآمدی چهارچوب مذکور در بررسی این عبارات را محک می‌زند.

**تحلیل داده‌ها**

از نگاه سنّتی، «و» اغلب به‌عنوان حرف ربط و عطف شناخته می‌شود که تنها نقش رابط میان دو عبارت زبانی را ایفا می‌کند و مرز آن با نقش‌نمای گفتمان اغلب با قابلیت و عدم قابلیتِ حذف آن مشخص می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر نقش‌نماهای گفتمان اکثراً بدون ایجاد مشکلی قابل حذف هستند. این در حالی است که رویکرد این پژوهش نسبت به «و»، همان‌گونه که در بخش دوم نیز اشاره شد، نسبتاً از رویکرد سنّتی فاصله گرفته و بیشتر متمایل به رویکردهای مدرن (شیفرین، ۲۰۰۸؛ فریزر، ۲۰۱۵؛ کریبل، ۲۰۱۸) شده است؛ بدین معنا که تمامی وقوعات «و»، نظیر همپایگی «و» و «و» آغازی، که در سطحی فراتر از پیوند واژگانی واقع می‌شوند و دارای نقش‌های گفتمانی هستند تحت عنوان نقش‌نمای گفتمان در این پژوهش بررسی می‌شوند.

عبارات حاوی نقش‌نمای گفتمان «و» خود قابل تقسیم به انواعی هستند که بارزترین نمونهٔ آنها جملات مرکّب همپایه‌ای «و» است. این جملات مرکّب زمانی تشکیل می‌شوند که دو جملهٔ اصلی توسط نقش‌نمای «و» به یکدیگر معطوف گردند. نمونه‌های (۱۱) و (۱۲) شواهدی هستند بر جملات مرکّب همپایه‌ای «و».

(۱۱). [علی از مدرسه آمد] و [تلویزیون را روشن کرد].

(۱۲). [ذوب‌آهن بازی را واگذار کرد] و [در عین ناباوری از گردونه‌ی مسابقات حذف شد].

همان‌طور که از مثال‌های (۱۱) و (۱۲) مشخص است، گاهی اوقات عناصری از جملهٔ همپایه‌شدهٔ ثانویّه به دلیل همسانی با جملهٔ گذشته حذف می‌شود که این ویژگی نحویِ عمدهٔ جمله‌های همپایه است (مشکوه‌الدینی، ۱۳۹۶). در دو نمونهٔ بالا، فاعل (علی و ذوب‌آهن) در جملهٔ همپایه‌شدهٔ ثانویه بّه قرینه حذف شده است. این نوع از حذف به قرینه، نظیر مثال (۱۳)، گاهی در سطح بالاتری اعمال می‌شود که قسمتی از ساختمان بند به قرینه حذف می‌گردد و از

آن به‌عنوان «انشعاب»[1] یاد می‌شود (ر.ک. باطنی، ۱۳۵۶). نمونهٔ (۱۳) از دو بنـد اصـلی تشـکیل شده است و قسمتی که با خط زیر مشخص شده است در هر دو بند مشترک است.

(۱۳): افرادی که می‌خواهند با ما کار کنند [باید تمام‌وقت با ما باشند] و [فکر کار کـردن بـا رقبای تجاری ما را از سرشان بیرون کنند].

[باید تمام وقت با ما باشند]

افرادی که می‌خواهند با ما کار کنند و

[فکر کار کردن با رقبای تجاری ما را از سرشان بیرون کنند]

از موضوعات دیگری که در این دست از جملات قابل توجه است، رعایت توالی جمـلات هم‌پایه است. اگرچه در مواردی نیز نیاز به چنین ملاحظه‌ای نیست، اکثراً شاهد وجـود ترتیـب زمانی این جملات هستیم که در صورت جابه‌جایی، معنی کل جمله تغییر می‌کند و یـا نـاقص می‌شود. برای درک این موضوع می‌توان بـار دیگـر بـه نمونـه‌هـای (۱۱) و (۱۲) رجـوع کـرد. همان‌طور که مشخص است ترتیب زمانی در این جملات لحاظ گشته به صورتی که نمی‌تـوان جای دو جملهٔ همپایه‌شده را تغییر داد؛ چراکه علی ابتدا از مدرسه آمـده و سـپس تلویزیـون را روشن کرده است و ذوب‌آهن نیز ابتدا بازی را واگذار کـرده و سـپس از گردونـه‌ی مسـابقات حذف شده است.

از دیگر کاربردهای نقش‌نمای گفتمان «و» می‌توان بـه کـاربرد آغـازین آن اشـاره کـرد کـه معمولاً با هدف طرح موضوع جدید، تغییر موضوع و اخـذ نوبـت در مکالمـات بـه کـار بـرده می‌شود که نمونه‌های (۱۴ الف) الی (۱۶ الف) شواهدی هستند بر این نوع از کاربرد «و».

(۱۴ الف): **و** نوبت می‌رسه به پیام‌های ارسالی شما عزیزان.

(۱۵ الف): **و** حالا اخبار ورزشی بانوان.

(۱۶ الف): الف: من سر این موضوع خیلی بحث دارم؛

ب: **و** بزارید نظر آقای اسحاقی را هم بپرسیم ببینیم نظر ایشون چیه.

نکتهٔ قابل توجّه این است که نقـش‌نمـای «و»، بـرخلاف نـوع قبلـی، نـوعی حـرف عطـف به‌حساب نمی‌آید و اغلب مستقل از نظام نحوی جمله عمل می‌کند به شـکلی کـه در صـورت

---

۱. Branching

حذف، لطمه‌ای به ساختار جمله وارد نمی‌کند. با نگاه به نمونه‌های (۱۴ ب) الـی (۱۶ ب) ایـن موضوع ملموس‌تر می‌گردد.

(۱۴ ب): نوبت می‌رسه به پیام‌های ارسالی شما عزیزان.

(۱۵ ب): حالا اخبار ورزشی بانوان.

(۱۶ ب): الف: من سر این موضوع خیلی بحث دارم؛

ب: بزارید نظر آقای اسحاقی را هم بپرسیم ببینیم نظر ایشون چیه.

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، عبارات معترضه از نظر نحوی مستقل هستند، بـدین معنـا که تأثیری در ساختار نحوی کلام ندارند و حذف آنها پدیدآور مشکلی در ایـن زمینـه نیسـت. آنها همچنین تأثیری در شرایط صدق و کذب ندارند و از نظر طول، میـزان پیچیـدگی، نقـش و مقوله گوناگون هستند، این مشخصات وجه اشتراک عبارات معترضـه و نقـش‌نماهـای گفتمـان می‌باشند. البتّه در بعضی ویژگی‌ها نظیر ویژگی‌های نواختی تفاوت‌هـایی قابـل مشـاهده اسـت. برای مثال یکی از مشخصه‌های اصلی عبـارات معترضـه ایـن اسـت کـه جریـان نـواختی یـک پاره‌گفت را مختل کرده و نواختی متفاوت از نواخت پـاره‌گفـت میزبـان را ارائـه مـی‌دهـد. در نمونه‌های (۱۷ الف) و (۱۸ ب) پاره‌گفت مشخص‌شده ویژگی نواختی متفـاوتی از پـاره‌گفـت میزبان دارد و کاملاً از آن جدا است، به شکلی کـه حـذف آن (۱۷ ب) و (۱۸ ب) مشـکلی در ساختار پاره‌گفت میزبان به وجود نمی‌آورد.

(۱۷):

الف) داشتیم تو تاریکی باهم تند می‌رفتیم، **و بگم که هوام خیلی سـرد بـود**، کـه یهـو یـه ماشین پیچید تو کوچه و ما سریع قایم شدیم.

ب) داشتیم تو تاریکی باهم تند می‌رفتیم، که یهو یه ماشین پیچید تو کوچه و ما سریع قـایم شدیم.

(۱۸):

الف) شب بود، من تو خونه تنها بودم و صداهایی از پائین میومد،**و منم خیلی ترسو هستم**، گوشی را برداشتم زنگ زدم داداشم.

ب) شب بود، من تو خونه بودم و صداهایی از پائین میومـد گوشـی را برداشـتم زنـگ زدم داداشم.

اما نکتهٔ قابل توجّه حضور نقش‌نمای «و» در این پاره‌گفت است که به نظر می‌رسد موضوع مطروحه در بالا مبنی بر دلالت ویژگی نواختی بر تمایز نقش‌نماهای گفتمان و عبارات معترضه را زیر سؤال می‌برد، اما این‌گونه نیست؛ زیرا شاید ویژگی‌های نواختی بتوانند در بعضی موارد به‌عنوان وجه تمایز مورد استفاده قرار گیرند اما ممیزی مطلق نیستند و نمی‌توان در تمامی موارد قائل به آنها شد، چراکه در بعضی از کاربردهای نقش‌نماهای گفتمان نیز شاهد این توقف و تغییر در جریان نواختی کلام هستیم. برای نمونه در مثال‌های (۱۹) الی (۲۱) پاره‌گفتی که با «و» آغاز می‌شود از نظر نواختی با پاره‌گفت قبل از خود متفاوت است.

(۱۹): تمام مواردی که آقای کمالی، رئیس شورای شهر شیراز فرمودند مورد تائید بنده است، **و اما بگذارید من از آقای حسینی هم چندتا سؤال بپرسم.**

(۲۰): این نکته را همین‌جا بگم که اظهارات ایشون در خصوص فدراسیون هیچ ربطی به برنامه‌ی ما نداره و ما مسئول صحبت‌های ایشون نیستیم **و برگردیم سر بحث اصلی برنامه.**

(۲۱): ما تا همین‌جا هم زیاد به این مسأله پرداختیم **و بریم یه سری به مسابقه‌ی پیامکی خودمون بزنیم.**

البتّه ویژگی‌های نواختی و بررسی آنها در حوزهٔ مطالعاتی پژوهش حاضر جای نمی‌گیرد و ارائه‌ی شرح، بررسی و تجزیه‌وتحلیل بر اساس این جنبه از زبان از پی آن دنبال نمی‌شود.

همان‌طور که گفته شد نقش‌نماهای گفتمان و عبارات معترضه از جهات مختلفی شبیه یکدیگر هستند. یکی از انواع عبارات معترضه، عبارات معترضهٔ «و» است که همان‌طور که از نامشان مشخص است با «و» آغاز می‌شوند؛ حال سؤالی که پیش می‌آید در خصوص رابطهٔ «و» موجود در عبارات معترضهٔ «و» با نقش‌نمای «و» است، آیا این دو یکی هستند؟ به‌منظور رسیدن به پاسخ این سؤال باید ویژگی‌های هر یک باهم مقایسه گردد تا مشخص شود می‌توان آن دو را نوعی واحد تلّقی کرد یا خیر.

اگرچه ابتدایی‌ترین ویژگی نقش‌نماهای گفتمان، برقراری ارتباط میان پاره‌گفت قبل و بعد از خود و همچنین برقراری تداوم[1] کلام است اما بارزترین مشخصه و معیار جداکننده‌ی آنها از دیگر عناصر زبانی، قابلیت حذف آنها است. این عناصر زبانی بدون ایجاد مشکلی (نحوی، معنایی و کاربردی) در روند کلام قابل حذف هستند و همچنین نقشی در شرایط صدق و

۱ Continuity

کذب جمله میزبان ندارند. حال زمانی که نقش‌نمای «و» و «و» موجود در عبارات معترضه با یکدیگر مقایسه می‌گردند ویژگی‌های مشابهی مشاهده می‌شود؛ بدین معنا که «و» موجود در عبارات معترضه نیز در عین برقراری ارتباط و روان‌تر کردن جریان کلام، قابل حذف است. شاهد این امر نمونه‌های (۲۲ الف) و (۲۳ الف) هستند که دارای عبارت معترضهٔ «و» می‌باشند. در این عبارات «و» در عین روان‌تر کردن جریان کلام می‌تواند از جریان کلام حذف شود که نمونه‌های حذف‌شدهٔ آنها (۲۲ ب) و (۲۳ ب) هستند. این نکته نیز شایان یادآوری است که نام این عبارات، عبارات معترضهٔ «و» است و در صورت حذف «و» از این عبارات معترضه، دیگر نمی‌توان این نام را به آنها اطلاق کرد و تنها به‌نوعی عبارت یا جملهٔ معترضه بدل می‌شوند که نمونهٔ آن را می‌توان در (۲۲ ب) و (۲۳ ب) ملاحظه نمود.

(۲۲):

الف) من موبایلت را درست می‌کنم، **و باید زود هم برم امروز**، موبایلت را بده.

ب) من موبایلت را درست می‌کنم، **باید زود هم برم امروز**، موبایلت را بده.

(۲۳):

الف) فیلنامه را من خوندم، **و بگم که بودجهٔ سنگینی هم می‌خواد**، ولی کلاً از طرحش خوشم نیومد.

ب) فیلنامه را من خوندم، **بگم که بودجهٔ سنگینی هم می‌خواد**، ولی کلاً از طرحش خوشم نیومد.

البتّه این ویژگی را نمی‌توان در مورد همه‌ی نمونه‌های عبارات معترضهٔ «و» صادق انگاشت چراکه در مواردی حذف «و» منجر به نادرستی، عدم روانی و طبیعی بودن کلام می‌گردد که مورد پسند گویشوران زبان فارسی نیست. نمونهٔ بارز این اختلال را می‌توان در مثال (۲۴ ب) یافت که از نمونه‌های ساخته‌شده محسوب می‌شود. اگرچه حذف عبارت معترضهٔ فوق مشکلی ایجاد نمی‌کند (۲۴ ج) اما حذف «و» از میزان همبستگی و اتصال عبارت معترضه با دیگر عبارات می‌کاهد تا حدّی که مورد پذیرش گویشوران قرار نمی‌گیرد. اگرچه در مواردی نیز حذف «و» مورد قبول واقع می‌شود، نمی‌توان این ویژگی را کاملاً مطلق در نظر گرفت.

(۲۴):

الف: من که دارم میرم، **و خوشحال هستم**، بدبخت شماهایی که تا آخر عمرتون اسیرین!

*ب: من که دارم میرم، **خوشحال هستم**، بدبخت شماهایی که تا آخر عمرتون اسیرین!

ج: من که دارم میرم، بدبخت شماهایی که تا آخر عمرتون اسیرین!

با عنایت به مطالب بالا، شباهت دیگری که می‌توان میان عبارات حاوی نقش‌نمای «و»، نظیر کاربرد همپایگی و آغازین نقش‌نمای «و» و عبارات معترضهٔ «و» یافت، عدم قطعیت در حذف «و» است؛ یعنی نمی‌توان قابلیت حذف «و» را ویژگی جامع الحالی در خصوص این دست از عبارات تلقی نمود.

این‌طور که از مطالب یادشده برمی‌آید «و» موجود در عبارات معترضهٔ «و» را می‌توان به‌عنوان یک نقش‌نمای گفتمان در نظر گرفت که این موضوع همسو با موضوعی است که بلیکور (۲۰۰۵) در خصوص نقش‌نمای (and) مطرح کرده است؛ بنابراین می‌توان گروهی دیگر از عبارات را به مجموعه‌ی عبارات حاوی نقش‌نمای گفتمان که پیش‌تر به آنها اشاره شد، اضافه نمود؛ اما سؤالی که هنوز باقی است این است که آیا رابطهٔ عکس این موضوع نیز معتبر است؟ یعنی آیا می‌توان تمامی عبارات حاوی نقش‌نمای «و» را به‌عنوان عبارات معترضهٔ «و» در نظر گرفت که این موضوع تا حدودی مورد تردید است. اکنون باید میزان اعتبار ویژگی‌های عبارات معترضهٔ «و» در خصوص عبارات حاوی نقش‌نمای «و» مورد بررسی قرار گیرد. ویژگی‌های عبارات معترضهٔ «و» بر اساس الگوی کاوالوا (۲۰۰۷) که قبلاً مورد شرح و بررسی قرار گرفت، می‌توانند به‌عنوان شاخصی برای تعیین این رابطه محسوب شوند.

برخلاف عبارات معترضهٔ «و» که قابلیت حذف همیشه در موردشان صادق است، این خصیصه در مورد عبارات حاوی نقش‌نمای گفتمان «و» دائم‌الصّدق نیست و نمی‌توان رأی به‌درستی آن در تمام وقوعات نقش‌نمای گفتمان «و» داد چراکه در بعضی از نمونه‌ها، حذف عبارات حاوی نقش‌نمای «و» تقریباً غیر ممکن است و در صورت حذف آنها شاهد نادرستی و نقصان نحوی و یا معنایی جملهٔ میزبان خواهیم بود. نمونه‌های (۲۵) الی (۲۷) خود گواهی بر این امرند.

(۲۵ الف): احتمال دارد روند پیشرفت خوب باشد **و در شرایطی، به‌طور موقت، گامی به عقب نهد**، ولی درمجموع، حرکت آن روبه‌جلو و تکامل است.

(۲۶ الف): مردم لیبی از بیکاری خسته شده همچنین **و از افزایش قیمت‌ها به تنگ آمده‌اند**.

(۲۷ الف): تا همین‌جا برخلاف قانون اداره مالیات مربوطه از ثبت دو نامه‌ی من خودداری کرده و شواهد و مدارک کافی در اختیار دارم که نامه‌های من را ثبت نکرده‌اند همچنین **و پرونده‌ای را که آنجا ثبت‌شده، به‌صورت کامل در اختیار من قرار نداده‌اند.**

همان‌طور که از نمونه‌های (۲۵ ب) الی (۲۷ ب) برمی‌آید، حذف عبارات مشخص‌شدهٔ فوق امکان‌پذیر نبوده و منجر به پیدایش نقصان در هریک از نمونه‌ها می‌گردد. برای مثال در نمونهٔ (۲۵ ب) اگرچه حذف این عبارات نقصی در نحو جملهٔ میزبان و کل کلام پدید نمی‌آورد، منجر به اختلال معنایی می‌شود. چراکه در صورت حذف آن، حضور جملهٔ دوم که با «ولی» آغاز می‌گردد و نمایان‌گر تضادی با جملهٔ قبلی است رسانده نمی‌شود.

*(۱۸ ب) احتمال دارد روند پیشرفت خوب باشد **و در شرایطی، به‌طور موقت، گامی به ~~عقب نهد~~**، ولی درمجموع، حرکت آن روبه‌جلو و تکامل است.

در نمونه‌های (۲۶ ب) و (۲۷ ب) علاوه بر نقص در معنا، اختلال نحوی نیز از پس حذف عبارات حاوی نقش‌نمای گفتمان «و» پدید می‌آید.

*(۲۶ ب): مردم لیبی از بیکاری خسته شده همچنین **~~و از افزایش قیمت‌ها به تنگ آمده‌اند~~**.

*(۲۷ ب): تا همین‌جا برخلاف قانون اداره مالیات مربوطه از ثبت دو نامه‌ی من خودداری کرده و شواهد و مدارک کافی در اختیار دارم که نامه‌های من را ثبت نکرده‌اند همچنین **~~و~~ پرونده‌ای را که آنجا ثبت‌شده، به‌صورت کامل در اختیار من قرار نداده‌اند.**

از دیگر ویژگی‌های مورد نظر کاوالوا (۲۰۰۷) در خصوص عبارات معترضهٔ (and)، عدم پیروی از حذف به قرینه است. همان‌طور که در ابتدای بخش حاضر گفته شد، در اغلب وقوعات همپایگی «و» حذف به قرینه و در شکل فراتر یعنی انشعاب رخ می‌دهد. حال این موضوع مورد سؤال است که آیا این ویژگی در مورد عبارات معترضهٔ «و» نیز صدق می‌کند یا همانند نمونهٔ انگلیسی آن، فاقد این ویژگی است. با بررسی‌های انجام‌شده در نمونه‌های فارسی این‌طور به نظر می‌رسد که این ویژگی در خصوص عبارات معترضهٔ «و» در زبان فارسی صادق نیست، چراکه زبان فارسی یک زبان «ضمیر انداز»[۱] است، لذا حذف ضمیر فاعلی و یا حذف به قرینهٔ آن مشکلی را در فرایند کلام ایجاد نمی‌کند، در مقابل زبان انگلیسی زبان ضمیر انداز

۱. Pro-drop

نبوده و نمی‌توان فاعل را در آن حـذف کـرد. مثـال‌هـای (۲۸) و (۲۹) در زبـان فارسـی نشـان می‌دهند که عبارات معترضهٔ «و» همانند نوع همپـایگی از حـذف بـه قرینـه پیـروی مـی‌کننـد. همان‌طور که در نمونهٔ (۲۸) مشخص است، فاعل (آقای صمدی) در عبـارت معترضـهٔ «و» بـه قرینه حذف شده و مشکلی در ساختار کلّی کلام پدید نیامده است؛ درصورتی‌که ایـن موضـوع در زبان انگلیسی غیر ممکن است.

(۲۸): دیدگاه آقای صمدی را خیلی قبول ندارم، ***و الگوی من هم بودن تو یه زمینه‌هـایی،*** ولی در این مورد من باهاشون مخالفم.

مشابه نمونهٔ فوق، مثال (۲۹) است که در این مثـال نیـز (داور) کـه فاعـل جملـهٔ میزبـان و معترضهٔ «و» بوده است در عبارت معترضهٔ «و» به قرینه حذف شده است.

(۲۹): داور این صحنه را هم خطا نگرفته، **و انگار خیلی هم اشتباه داشته تـو ایـن بـازی،** فکر کنم چندهفته‌ای نبینیمشون دیگه!

یکی دیگر از ویژگی‌های عبارات معترضهٔ «و»، عدم قرارگیری در دامنهٔ وابسـته‌سـازان نظیـر جملات شرطی است. با بررسی‌های انجام‌شده بر روی داده‌های موجود، این ویژگی نیـز نظیـر ویژگی ابتدایی مذکور در خصوص عبارات حاوی نقش‌نمای «و» صدق نمی‌کند. با عطف نظـر به نمونه‌های (۳۰) الی (۳۴)، عدم صدق ویژگی مذکور در خصوص عبارات حاوی نقش‌نمـای گفتمان «و» ملموس‌تر می‌گردد. همان‌طور که از نمونه‌هـای (۳۰ الـف) و (۳۱ الـف) مشـخص است، عبارات معترضه در خارج از دامنهٔ جملات شرطی قرار گرفته‌اند؛ بدین شکل کـه حـذف آن تأثیری در درستی و نادرستی نحوی و معنایی کل جمله ندارد.

(۳۰ الف): [اگر [متوجّه کوچک‌ترین خطری در ایـن نزدیکـی شـدی] [و البتّـه حـالا هـم خبری نیست،] باید سریع به مرکز اطّلاع بدی].

(۳۱ الف): [اگر [توی این مجلس خواستی پرخوری کنی]، [و تو هم کـه خـوش‌خـوراک،] دیگه نه من نه تو].

(۳۰ ب): [اگر [متوجّه کوچک‌ترین خطری در این نزدیکی شدی]، بایـد سـریع بـه مرکـز اطلاع بدی].

(۳۱ ب): [اگر [توی این مجلس خواستی پرخوری کنی]، دیگه نه من نه تو].

در مقابل نمونه‌های بالا، نمونه‌های (۳۲) الی (۳۴) قرار دارند که دربردارنده‌ی عبارات حاوی نقش‌نمای گفتمان «و» هستند. این عبارات بر خلاف عبارات معترضهٔ «و»، در دامنهٔ جملات شرطی قرار می‌گیرند.

(۳۲): [اگر دیر رسیدی **و اما دلت می‌خواست بیای**]، [بیا طوری نیست].

(۳۳): [اگر از طرف چپ حمله کرده بودن **و بعدش هم پاس‌ها را به سردار آزمون می‌دادند**]، [الان پیروز میدون ما بودیم نه اونا].

(۳۴): [اگر بعد از مدت‌ها دلت برا مادرت تنگ شد **و همچنین نتونستی راه فراری از این دلتنگی پیدا کنی**] [یه سری به من بزنی بد نیست].

همان‌طور که از نمونه‌های (۳۲) الی (۳۴) دریافت می‌شود، عبارات مشخص‌شده «و» حاوی نقش‌نماهای گفتمان در دامنهٔ وابسته‌سازان قرار گرفته‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر، این عبارات خود نیز به‌عنوان شرطی برای پاره‌گفت پس از خود تلّقی می‌شوند. برای مثال در نمونهٔ (۳۴) شرط پیروزی دو عامل است: یکی حمله از طرف و دیگری پاس دادن به سردار آزمون. ازاین‌رو نمی‌توان قائل به قابلیت حذف تمامی عبارات حاوی نقش‌نمای «و» گردید. برای درک بهتر این موضوع می‌توان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی نمونهٔ (۳۴) را در قالب ذیل قرار داد تا ملموس‌تر شود:

الف): از طرف چپ حمله کرده بودن = Q

ب): بعدش هم پاس‌ها را به سردار آزمون می‌دادند = Q

ج): الان پیروز میدون ما بودیم نه اونا = U

$$P \& Q = U$$

همان‌طور که از معادله‌ی بالا دریافت می‌شود اجتماع (الف) و (ب) لازمه‌ی تحقق (ج) است و در صورت حذف هر یک، مورد (ج) حاصل نمی‌گردد. این در حالی است نمی‌توان قائل به چنین معادله‌ای در خصوص عبارات معترضه «و» شد. برای مثال می‌توان نمونهٔ (۳۰ الف) را در قالب معادله‌ی فوق به شکل زیر ملاحظه کرد:

الف): متوجّه کوچک‌ترین خطری در این نزدیکی شدی = P

ب) و البته حالا هم خبری نیست = Q

ج) باید سریع به مرکز اطلاع بدی = U

$$P \& (Q) = U$$

همان‌طور که از معادله‌ی بالا درک می‌شود، لزوم تحقق (ج)، اجتماع (الف) و (ب) نیست؛ و حضور (الف) خود به‌تنهایی مکفی تحقق (ج) است.

پس از بررسی ویژگی عبارات معترضهٔ «و»، جایگاه قرارگیری آنها نیز درخور توجّه است. با بررسی‌های انجام‌شده بر روی داده‌های موجود، مشخص گردید که این عبارات می‌توانند در سه جایگاه ابتدایی، میانی و انتهایی جملات میزبان قرار بگیرند که نمونه‌های (۳۵) الی(۳۷) شواهدی هستند بر جایگاه قرارگیری این عبارات. اگرچه بررسی‌های کاوالوا (۲۰۰۷) حاکی از این است که این عبارات در زبان انگلیسی تنها در ابتدا و میان جملات میزبان الصاق می‌گردند و نمونه‌ای از حضور این عبارات در پایان جملات را پیدا نکرده است، اما داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که جایگاه پایانی جملات میزبان نیز برای وقوع این دست از عبارات مجاز است.

(۳۵): الف: آقای جمالی من که از این خبر شکه شدم، نظر شما چیه؟

ب: **و واقعاً جای تأسف داره**، این خبرم مثل بقیه دیر اعلام شد و هنوز هم کسی مسئولیتش را بر عهده نگرفته.

(۳۶): عراق دیروز مساوی کرد، **و خوب هم هست این نتیجه**، حالا به نظرتون ما چجوری می‌تونیم به نحو احسن از این موقعیت استفاده کنیم.

(۳۷): الف: عمر عبدالرحمن و برادرش از این تیم رفتند، **و بد هم نشد**.

ب: آره این دو تا همیشه تو خط حمله آزاردهنده بودند.

## بحث و نتیجه‌گیری

در بخش پایانی، ابتدا به نتایج و دستاوردهای کلّی این پژوهش پرداخته و در انتها نیز به چشم‌اندازهای پژوهش‌های آتی اشاره کوتاهی می‌گردد. دو موضوع کلّی از پی این پژوهش دنبال گردید، ابتدا بررسی کلّی، محل قرارگیری و ویژگی‌های عبارات معترضهٔ «و» بر اساس چهارچوب کلّی کاوالوا (۲۰۰۷) در دستور کار قرار گرفت و سپس رابطهٔ موجود میان نقش‌نمای گفتمان «و»، عبارات حاوی این نقش‌نمای گفتمان و عبارت معترضهٔ «و» بررسی گشت.

طیّ بررسی‌های به‌عمل‌آمده مشخص گردید که نمی‌توان رویکردی مطلق در خصوص ارتباط نحوی این عبارات با جملهٔ میزبان اتخاذ کرد؛ بدین معنا که ازیک‌طرف نمی‌توان این عبارات را از نظر نحوی کاملاً وابسته به‌حساب آورد و از طرف دیگر نمی‌توان کاملاً مستقل در نظر گرفت. به‌عبارت‌دیگر، از یک‌سو نمی‌توان منکر وجود ارتباط نحوی و از سوی دیگر نمی‌توان قائل به ارتباطی دوطرفه میان آنها شد. درنتیجه می‌توان گفت که این عبارات دارای نوعی ارتباط یک‌طرفه با جملهٔ میزبان هستند که این موضوع همسو با رویکرد میانه‌ی کاوالوا نیز می‌باشد.

عبارات معترضهٔ «و» همچون دیگر عبارات معترضه، معمولاً، در خلال کلام واقع می‌شوند و نوعی مکث و اختلال در کلام را به دنبال دارند. پس از بررسی داده‌های موجود مشخص گردید که عبارات معترضهٔ «و» در سه جایگاه ابتدایی، میانی و پایانی می‌توانند واقع شوند. این عبارات اکثراً از نظر مکانی شناور هستند و می‌توانند در قسمت‌های مختلفی حاضر شوند؛ البتّه این موضوع همیشه صادق نیست. این عبارات قابل حذف هستند بدین معنا که در صورت حذف خللی در نظام کلام حادث نمی‌گردد. علاوه بر قابلیت حذف این عبارات پیروی از حذف به قرینه در خصوص این عبارات نیز صادق است که خود نشان‌دهنده‌ی وجود رابطهٔ نحوی و معنایی میان این عبارات و جملهٔ میزبان است. آخرین ویژگی این عبارات این است که در دامنهٔ وابسته‌سازان قرار نمی‌گیرند و توسط آنها سازه فرمانی نمی‌شوند.

در مورد رابطهٔ میان عبارات معترضهٔ «و» و عبارات حاوی نقش‌نمای «و» می‌توان گفت علی‌رغم وجود شباهت‌های بسیار میان آنها اما نمی‌توان وجود رابطه‌ای دوطرفه در این میان را تأیید کرد، لذا تنها می‌توان رأی به وجود رابطه‌ای یک‌طرفه مبنی بر یکسانی «و» موجود در عبارات معترضهٔ «و» و نقش‌نمای گفتمان «و» داد که منتج به در نظر گرفتن عبارات معترضهٔ «و» به‌عنوان عضوی از عبارات حاوی نقش‌نمای گفتمان «و» می‌گردد.

این پژوهش می‌تواند به‌عنوان نخستین گام در بررسی این عبارات مسیر را برای پژوهش‌های آتی به‌ویژه پژوهش‌هایی با رویکردهای تخصصی همچون رویکرد نواختی به‌منظور بررسی دقیق تغییرات نواختی هنگام به‌کارگیری این عبارات باز کند. از طرفی بسیاری از این عبارات همچون سؤالات تأییدی و عبارات پس اندیشی هنوز در زبان فارسی نامشخص هستند و از دریچهٔ عبارات معترضه، پژوهشی بر روی آنها صورت نگرفته است. علاوه بر «و»،

نقش‌نماهای دیگری نیز وجود دارند که آغازگر عبارات معترضه هستند که شـناخت و بررسـی آنها پژوهش‌های گسترده‌ای می‌طلبد. لذا این حوزه نیازمند توجّه هرچه بیشتر زبان‌شناسان زبان فارسی و مقتضی مطالعات و پژوهش‌های بیشتری است.

## کتاب‌نامه


۱- احمدی گیوی، ح.، و انوری، ح. (۱۳۶۳). *دستور زبان فارسی*. تهران: فاطمی.

۲- باطنی، م. ر. (۱۳۵۶). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.

۳- خانلری، پ. (۱۳۶۳). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.

۴- مشکوه‌الدینی، م. (۱۳۹۶). *دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی*. تهران: سمت.

۵- Ackema, P., & Neeleman, A. (۲۰۰۴). *Beyond Morphology – Interface Conditions on Word Order*. Oxford: Oxford University Press.

۶- Altmann, H. (۱۹۸۱). *Formen der "Herausstellung" im Deutschen*. Rechtsversetzung, Linksversetzung, Freies Thema und verwandte Konstruktionen [Linguistische Arbeiten ۱۰۶]. Tübingen: Niemeyer.

۷- Astruc, L. (۲۰۰۵). *The Intonation of Extra-Sentential Elements in Catalan and English*. PhD Dissertation, University of Cambridge.

۸- Biber, D., & Johnsson, S., & Leech, G., & Conrad, S., & Finegan, E. (۱۹۹۹). *Longman Grammar of Spoken and Written English*. Harlow: Pearson.

۹- Blakemore, D. (۲۰۰۵). and-parentheticals. *Journal of Pragmatics*, ۳۷(۸), ۱۱۶۵–۱۱۸۱.

۱۰- Bolinger, D. (۱۹۸۹). *Intonation and its Uses. Melody in Grammar and Discourse*. London: Edward Arnold.

۱۱- Burton-Roberts, N. (۲۰۰۶). Parentheticals. In *Encyclopaedia of Language and Linguistics* (۲nd edition, Vol. ۹), Keith Brown (ed.-in-chief), ۱۷۹–۱۸۲. Amsterdam: Elsevier.

۱۲- Chafe, W. (۱۹۹۴). *Discourse, consciousness, and time*. Chicago and London: The University of Chicago Press.

۱۳- Chomsky, N. (۱۹۹۵). *The Minimalist Program*. Cambridge MA: The MIT Press.

۱۴- Corver, N., & Thiersch, C. (۲۰۰۲). Remarks on parentheticals. In *Progress in Grammar. Articles at the ۲۰th Anniversary of the comparison of Grammatical Models Group in Tilburg*, van Oostendorp, M. and Anagnostopoulou, E. (eds), online publication, http://www.meertens.knaw.nl/books/progressingrammar/> (last accessed on ۲۵ March ۲۰۰۶).

۱۵- Crible, L. (۲۰۱۸). Discourse Markers and (Dis)fluency. Forms and Functions across Languages and Registers. In *Pragmatics and Beyond New Series.* Amsterdam: John Banjamins.

۱۶- Crystal, D. (۱۹۶۹). *Prosodic Systems and Intonation in English*. Cambridge: Cambridge University Press.

۱۷- D'Avis, F. J. (۲۰۰۵). Uber Parenthesen. In: *Deutsche Syntax: Empirie und Theorie*, F. J. d'Avis (ed), ۲۵۹–۲۷۹. Goteborg: Acta Universitatis Gothoburgensis.

۱۸- Dehe, N., & Kavalova, Y. (۲۰۰۷). Parentheticals An Introduction. Dehe, N and Kavalova, Y. *Parentheticals*. ۱-۲۲, Amsterdam: John Benjamins.

۱۹- Dehé, N., & Wichmann, A. (۲۰۱۰). The multifunctionality of epistemic parentheticals in discourse: Prosodic cues to the semantic-pragmatic boundary. *Functions of Language,* ۱۷(۱), ۱–۲۸.

۲۰- De Vries, M. (۲۰۰۷). Invisible constituents? Parentheses as B-merged adverbial phrases. Dehé, N and Kavalova, Y. *Parentheticals.* ۲۰۳-۳۴Amsterdam: John Benjamins.

۲۱- Emonds, J. (۱۹۷۳). Parenthetical clauses. In *You Take the High Node and I'll Take the Low Node*, C. Corum, T. Cedric Smith-Stark and A. Weiser (eds), ۳۳۳–۳۴۷. Chicago IL: Chicago Linguistic Society.

۲۲- Emonds, J. (۱۹۷۶). *A Transformational Approach to English Syntax. Root, Structure-Preserving, and Local Transformations.* New York NY: Academic Press.

۲۳- Emonds, J. (۱۹۷۹). Appositive relatives have no properties. *Linguistic Inquiry,* ۱۰(۲), ۲۱۱–۲۴۳.

۲۴- Espinal, M. T. (۱۹۹۱). The representation of disjunct constituents. *Language,* ۶۷(۴), ۷۲۶–۷۶۲.

۲۵- Fleischer, W., & Michel, G. (۱۹۷۵). *Stilistik der Deutschen Gegenwartssprache*. Leipzig: VEB Bibliographisches Institut.

۲۶- Fraser, B. (۱۹۹۰). An approach to discourse markers. *Journal of Pragmatics*, ۱۴(۳), ۳۸۳-۳۹۸.

۲۷- Fraser, B. (۲۰۱۵). The combining of Discourse Markers–A beginning. *Journal of Pragmatics*, ۸۶, ۴۸-۵۳.

۲۸- Haegeman, L. (۱۹۸۸). Parenthetical adverbials: The radical orphanage approach. In *Aspects of Modern Linguistics: Papers Presented to Masatomo Ukaji on his ۶۰th Birthday*, S. Chiba, A. Shuki, A. Ogawa, Y. Fuiwara, N. Yamada, O. Koma and T. Yagi (eds), ۲۳۲–۲۵۴. Tokyo: Kaitakushi.

۲۹- Haider, H. (۲۰۰۵). Parenthesen–Evidenz aus Bindungsverhaltnissen. In *Deutsche Syntax: Empirie und Theorie*, F. J. d'Avis (ed), ۲۸۱–۲۹۳. Goteborg: Acta Universitatis Gothoburgensis.

۳۰- Hoffmann, L. (۱۹۹۸). Parenthesen. *Linguistische Berichte*, ۱۷۵, ۲۹۹–۳۲۸.

۳۱- Kaltenböck, G., Heine, B. and Kuteva, T. (۲۰۱۱). On thetical grammar. *Studies in Language*, ۳۵(۴): ۸۴۸–۹۳.

۳۲- Kavalova, Y. (۲۰۰۷). And–Parenthetical clauses. Dehe, N. and Kavalova, Y. *Parentheticals*. ۱۴۵-۱۷۲, Amsterdam: John Benjamins.

۳۳- Local, J. (۱۹۹۲). Continuing and restarting. In *The Contextualization of Language*, P. Auer and A.di Luzio (eds), ۲۷۳–۲۹۶. Amsterdam: John Benjamins.

۳۴- McCawley, J. D. (۱۹۸۲). Parentheticals and discontinuous constituent structure. *Linguistic Inquiry*, ۱۳(۱), ۹۱–۱۰۶.

۳۵- Matsumoto, K. (۱۹۹۹). And-prefaced questions in institutional discourse. *Linguistics*, ۳۷(۲), ۲۵۱–۷۴.

۳۶- Paya, M. (۲۰۰۳). Prosody and pragmatics in parenthetical insertions in Catalan. *Catalan Journal of Linguistics*, ۲, ۲۰۷–۲۲۷.

۳۷- Peterson, P. (۱۹۹۹). On the boundaries of syntax. In *The Clause in English*, P. Collins and Lee, D. (eds), ۲۲۹–۲۵۰. Amsterdam: John Benjamins.

۳۸- Pittner, K. (۱۹۹۵). Zur Syntax von Parenthesen. *Linguistische Berichte*, ۱۵۶, ۸۵–۱۰۸.

۳۹- Ross, J. R. (۱۹۷۳). Slifting. In *The Formal Analysis of Natural Languages. Proceedings of the First International Conference*, M. Gross, M. Halle and M.-P. Schutzenberger (eds), ۱۳۳–۱۶۹. The Hague/Paris: Mouton.

۴۰- Safir, K. (۱۹۸۶). Relative clauses in a theory of binding and levels. In *Linguistic Inquiry*, ۱۷(۴): ۶۶۳–۶۸۹.

۴۱- Schiffrin, D. (۲۰۰۸). Discourse Markers: Language, Meaning, and Context. In *The Handbook of Discourse Analysis* (eds D. Schiffrin, D. Tannen and H.E. Hamilton).

۴۲- Sorjonen, M. L. (۲۰۰۱). *Responding in Conversation: A Study of Response Particles in Finnish*. Philadelphia: JohnBenjamins

۴۳- Sperber, D., & Wilson, D. (۱۹۸۶/۱۹۹۵). *Relevance: Communication and Cognition*. Oxford: Blackwell.

۴۴- Taglicht, J. (۱۹۹۸). Constraints on intonational phrasing in English. *Journal of Linguistics*, ۳۴(۱),۱۸۱–۲۱۱.

۴۵- Ziv, Y. (۲۰۰۲). This, *I believe*, is a processing instruction: Discourse linking via parentheticals. In *Proceedings of Israel Association for Theoretical Linguistics ۱۸, Bar Ilan University*, Y. N. Falk (ed).